

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

موسوی

اسلام سیاسی و عدالت استعماری

وقتی در آغاز دهه کنونی به جواب جلوه نمایی های دجال جمهوری اسلامی (سید محمد خاتمی رئیس جمهور قبلی ایران) غرب با بوق و سرنا به تبلیغ "نسبیت فرهنگی" شروع نمود، به غیر از عده ای محدودی از انقلابیون آگاه و معدود تر از آن عناصر روشن بین کشور های عقب نگهداشته شده، که به عمق اهداف کشور های امپریالیستی پی برده بودند، متباقی اکثریت قلم به دستان و روشنفکران این مناطق به امیال امپریالیستی خوش بینی نشان داده، بر خی ها به صورت علنی و تنی چند نیز در لفافه های پر زرق و برق تیوریک این اقدام غرب را لیبیک گفته، آنرا به مثابه دست آورد قرن به خورد دیگران دادند.

به حساب این آقایان پذیرش اصل "نسبیت فرهنگی" از جانب کشور های صنعتی و انکشاف یافته غربی، تمکین این کشور ها به مدنیت های غیر اروپایی معرفی شده آنرا گام مثبتی دانستند در جهت احترام متقابل بین مدنیت های شرقی و غربی. خلاف این بخش از روشنفکران، آنعده محدود و معدود، سر و صدا های پذیرش "نسبیت فرهنگی" را از پایه رد نموده با صراحت اعلام داشتند، که این سیاست به غرض به رسمیت شناختن حکمداران جبار و عقب مانده شرقی قالب بندی شده، توده های ملیونی کشور های عقب نگهداشته شده را با دستان بسته به مسلخ استبداد شرقی پیشکش می نماید.

به عبارت دیگر وقتی حکمداران کشور های امپریالیستی با ظاهر بس فریبنده می کوشند خود را در مقابل به اصطلاح فرهنگ غنی شرق مجاب نشان دهند، نباید به ظاهر قضایا دلخوش نموده اهداف ارتجاعی و ضد انسانی آنها را از نظر دور داشت. چه آنها در عقب عبارت های فریبنده مربوط به "نسبیت فرهنگی" در حقیقت جنایت های مبتنی بر عقب ماندگی های اجتماعی را رسمیت می بخشند. یعنی خلاف آنچه در کشور های خودی و برای مردم خود شان از آزادی مطبوعات، آزادی عقیده و مذهب، آزادی اجتماعات، تساوی حقوق بین زن و مرد و سایر آزادی های دموکراتیک صحبت به عمل می آورند، در رابطه با مردمان کشور های در بند وزیر سلطه اسلام سیاسی، حاکمیت جبارانه حکمداران آن کشورها را بر مردمانش، استبداد سیاه آخندی از نوع ایرانی و سعودی آنرا بر توده های ملیونی، حاکمیت بلامنازع مردان را بر زنان و سایر اجحافات اجتماعی را بخشی از فرهنگ آن کشور ها معرفی نموده؛ انقیاد و تسلیم مقابل آنرا به رسمیت می شناسند. بدین سان "نسبیت فرهنگی" به رسمیت دادن معیار های دوگانه پوشش می دهد.

یکی از موارد بارز و مبرهن این طرز دید در کشور اشغال شده افغانستان، و در اداره مستعمراتی "کرزی" تعهدات امپریالیستی در قبال خواستها و سیاست های اسلام سیاسی می باشد.

قدرت های امپریالیستی اشغالگر در افغانستان، در عین زمانیکه برای حفظ منافع استعماری خود از کشته ها پشته می سازند و بر مردم بی گناه و در بند افغانستان بارانی از آتش فرود می آورند و در همین راستا حاضر نیستند حتی بر مزدوران خویش نیز گوشه چشمی نشان دهند، دست باند های جنایتکار مدافعان اسلام سیاسی را در قلع و قمع مردم و در تطبیق "شریعت غرای محمدی" چنان باز گذاشته و می گذارند که حتی همان ادعا های دروغین اولیه شان را نیز کاملاً زیر سؤال قرار میدهند. در همین راستا می توان از محکمه نمایشی "کامبخش" یاد دهانی نمود.

در حالی که، سیاف، ربانی، برادران مسعود، فهیم، دوستم، خلیلی، علمی، گلاب زوی و صد ها جنایتکار دیگر که هر یکی دریایی از خون در قفایش دارد، آزادانه و در پناه تانکهای استعمار و موتر ضد گلوله قوایشغالگر و حمایت صدها بادیکارد از پول خون مردم افغانستان در باغ وحش ادارات استعماری خوش می چرند و بر ریش کشته های میهن از ته دل می خندند، در حالی که متجاوزین جنسی بر کودکان معصوم از الطاف "شاهانه" یک غلام رسوا و بی مقداری چون "کرزی" به استمرار جنایات شان دستان بازمی یابند، در حالی که مغازه با طالب و گلبدین این دو تجسم ارتجاع، عقب

ماندگی و توحش اسلام سیاسی به معانقه و رو بوسی های آن چنانی ارتقاء می یابد، یک جوان مظلوم، بیگناه اما خوش باور را که فریب نواله خواران دموکراسی امریکایی خورده بود با زنجیر و زولانه به محکمه می کشانند که چرا چند آیت از کتاب مقدس شانرا ترجه و در دسترس دیگران قرار داده است.

به عبارت دیگر تبلیغ اسلام در به اصطلاح "جمهوری اسلامی" را جرم اعلام داشته یک نوکر استعمار به مثابه یک قاضی وی را برای مدت بیست سال به پشت دیوار های زندان می فرستد.

خوانندگان گرامی!

شما امروز شاید نمایش مسخره و خیمه شب بازی اداره مستعمراتی را در تدویر محکمه "کامبخش" دیده باشید و از جریان آن مطلع باشید، هر گاه این فرصت را تلاش برای یافتن یک لقمه نان در فقیرستان میهن ما از دست شما گرفته باشد باید بدانید که "کامبخش" از طرف محکمه مرافعه "استیناف" به بیست حبس محکوم گردید. قاضی مربوطه با صدور این حکم به علاوه اعلام وابستگی غلیظ خویش به اسلام سیاسی و تلاش مذبحخانه به خاطر حفظ نظام، خیانت های آتی را نیز مرتکب گردید:

- قاضی با صدور حکم خود بعد از شنیدن گفته های شهود و به استناد گزارش یک اخوان بچه که می توان در سیمایش یک گلبدین، سیاف و ربانی را در آینده دید، در عمل به مسلک خویش و همان "قرآن" که ادعای پیروی از آنرا دارد، پشت نمود. چه خلاف آنچه قرآن می گوید "وقتی بین مردم به حکمیت پرداختید، عادلانه حکم نمائید" نصی صریح قرآن را زیر پا نموده با تدویر یک محکمه نمایشی، انتخاب گزینشی شهود، استناد به شهادت یک تن وزیر یا نمودن شهادت سایرین در عمل به دین و باور خویش پشت نموده، ثابت نمود که اسلام سیاسی هیچ ربطی به عقیده و مذهب مردم ندارد.

- قاضی گماشته شده در به اصطلاح "جمهوری اسلامی افغانستان" با محکوم نمودن "کامبخش" به جرم پخش اوراق قرآن در عمل تبلیغ و ترویج اسلام را جرم دانسته، خلاف به اصطلاح "قانون اساسی" اداره مستعمراتی که تبلیغ اسلام را مجاز و حتما وظیفه دانسته؛ رای خویش را صادر نمود.

- قاضی با تعیین حکم 20 سال زندان برای "کامبخش" در عمل باور خویش را به استمرار حالت مستعمراتی کشور ابراز داشته به مردم افغانستان اهانت روا داشت. چه قاضی را باور بر آن است که مردم افغانستان دوام استعمار را برای 20 سال دیگر نیز تحمل می نمایند.

به این قاضی و سایر نگهبانان خورد و بزرگ اداره مستعمراتی باید به وضاحت و صراحت کامل تذکر داد:

شما می توانید به هر مدتی که می خواهید فرزندان این مرز و بوم را به گناهان نگرده به پشت پنجره های زندان روانه دارید، مگر این نکته را به خاطر داشته باشید که وقتی مردم آزاده کشور ما موفق شود زنجیر های اسارت امپریالیستی را از هم بدرند، درب های زندان های شما را نیز باز نموده و فرزندان خویش آزاد خواهد نمود. این احکام شما اگر از یک سو مبین میزان وابستگی تان به اسلام سیاسی، اداره مستعمراتی و نیروهای اشغالگر است فردا به مثابه اعلام جرم علیه خودتان به کار خواهد رفت.

شما نیز باید مطمئن باشید که دیر یا زود دریای خروشان خشم مردم دامن شما را نیز مانند مزدوران روس گرفته، کره زمین را برایتان به اندازه یک زندان کوچک خواهد نمود، شما نیز باید بدانید که وقتی مردم سیستم استعمار را از کشور مان جاروب نمایند امثال شما را نیز راهی زباله دان تاریخ خواهد نمود.